

بررسی و ارزیابی شیوه‌های حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت معنوی در وایپو و تریپس

لیلا رئیسی

تاریخ دریافت: ۸۵/۵/۲۶

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد*

تاریخ تأیید: ۸۵/۱۱/۱۱

چکیده

باتوجه به اهمیت نحوه حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی و تأثیر آن در حمایت از این حقوق، این سؤال اساسی مطرح است که آیا با ایجاد تریپس و پیش‌بینی رکن حل اختلاف (که مکانیزمی بسیار دقیق و کارآمدی در رابطه با حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت‌های معنوی تعبیه نموده و سعی می‌کند با توسل به شیوه شبه قضایی این گونه اختلافات را حل و فصل نماید)، مرکز داوری و میانجیگری وایپو (که عمدتاً غیر قضایی بوده و فاقد رکن اجرایی قوی می‌باشد)، اهمیت خود را از دست داده است؟ آیا می‌توان اذعان نمود که شیوه‌های حل و فصل وایپو به‌طور غیرمستقیم متروک و از کار افتاده شده است؟ یا این که پاسخ منفی است؟ فرضیه نگارنده در این زمینه این است که با ایجاد تریپس، وایپو اعتبار خود را از دست نداده است و در کنار آن همچنان در حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت معنوی نقش مهمی را ایفا می‌نماید. واژگان کلیدی: تریپس، وایپو، رکن حل اختلاف، مرکز داوری و میانجیگری، روش شبه قضایی، روش‌های جایگزین.

مقدمه

هر یک از دو سازمان وایپو و تجارت جهانی، برای حل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی تدابیری اندیشیده‌اند. وایپو برای این منظور مرکز داوری و میانجیگری^۱ را ایجاد کرده است که با توسل به روش‌های جایگزین یا اصطلاحاً آ.دی.آر.^۲ سعی در حل اختلافات مذکور دارد. در مرکز داوری و میانجی‌گری وایپو، برای حل و فصل اختلافات از روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود؛ از جمله داوری، میانجی‌گری و مساعی جمیله. سازمان جهانی تجارت نیز به موجب تفاهم‌نامه حل اختلافات^۳، روش و آیین خاصی برای حل اختلافات پیش‌بینی نموده است و کشورهای عضو، اختلافات تجاری مربوط به توافقنامه‌های این سازمان را اصولاً براساس همین مکانیزم، حل و فصل می‌نمایند.

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل واحد علوم و تحقیقات (آماده دفاع از رساله) و وکیل پایه یک دادگستری

1- The WIPO Arbitration and Mediation Center.

2- Alternative Dispute Resolution (ADR).

3- Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes.

براساس ماده ۶۴ موافقتنامه تریپس. در خصوص کلیه اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی نیز همان مکانیزم مذکور حاکم می‌باشد و این اختلافات فقط شامل اختلافات ناشی از اجرا یا تفسیر حقوق پیش‌بینی شده در توافقنامه تریپس نمی‌باشد، بلکه با توجه به آن که این موافقتنامه بیشتر کنوانسیون‌های مهم متضمن حمایت از مالکیت معنوی را تحت پوشش خود قرار داده است، مکانیزم مذکور کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای حقوق مالکیت معنوی مورد حمایت در کنوانسیون‌های مذکور از جمله برن و پاریس را نیز در برمی‌گیرد.

برخی از حقوق‌دانان، مرکز داوری وایپو را به دلیل استفاده از روش‌های جایگزین و در نتیجه انعطاف‌پذیری بیشتر آن، بهترین مرجع حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت معنوی می‌دانند. در حالی که برخی دیگر این موضوع را رد نموده و مکانیزم حل اختلاف تریپس را به عنوان یک شبه دادگاه قاطع و دارای یک آیین داری دقیق و زمان‌بندی شده برای حل این گونه اختلافات مناسب‌تر دانسته و توسل به آن را توصیه می‌کنند.

اما آیا واقعاً بین این دو مکانیزم حل اختلاف آن قدر فاصله و اختلاف وجود دارد که پذیرش یکی دال بر نفی دیگری باشد؟ آیا امکان این که هر دو مکانیزم در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار گیرد وجود ندارد؟ برای پاسخ به سؤالات فوق لازم است مزایا و معایب هر یک از دو مکانیزم مورد توجه قرار گیرد تا نهایتاً یا یکی از آن دو بر دیگری ترجیح داده شود و یا این که استفاده از هر دو مورد توصیه قرار گیرد. در این مقاله نخست مزایا و معایب مرکز داوری وایپو مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس به بررسی مزایا و معایب مکانیزم حل اختلاف تریپس پرداخته می‌شود و در پایان امکان جمع بین دو مکانیزم یا عدم امکان آن، بررسی خواهد شد.

فصل اول: وایپو

گفتار اول: مزایای مرکز داوری وایپو

۱- امکان توسل مستقیم افراد

بستر اصلی اجرای حقوق مالکیت معنوی در سیستم‌های ملی و در میان افراد می‌باشد. به همین علت طرفین بیشتر اختلافات مربوط به این گونه موضوعات، افراد هستند (Alban Freneau, 2002: 50).

افراد برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی خود، معمولاً از دو طریق مراجعه به مراجع قضایی ملی یا توسل به مکانیزم‌های بین‌المللی می‌توانند عمل کنند که هر یک از این دو شیوه را بررسی می‌کنیم:

الف- مراجع قضایی ملی: زمانی که طرفین اختلاف دارای تابعیت مشترک بوده و سیستم ملی دارای مراجع قضایی تخصصی کارآمد در حوزه موضوعات گوناگون مالکیت‌های معنوی باشد، توسل به این گونه

مراجع می‌تواند بسیار مفید باشد. هر چند در همین موارد هم ممکن است مواعقی همچون صرف هزینه و وقت زیاد و فقدان تخصص کافی، موجب رنجش اصحاب دعوا گردد (AlbanFreneau, 2001: 3). اما زمانی که اختلاف از چارچوب مرزها خارج گردیده و جنبه بین‌المللی به خود بگیرد، در اکثر موارد توسل به مراجع ملی روش مناسبی تلقی نمی‌شود. در این گونه موارد معمولاً یکی از طرفین اختلاف به سختی می‌پذیرد که موضوع نزد محاکم کشور متبوع طرف دیگر اختلاف مطرح گردد. انتخاب محاکم کشور ثالث نیز معمولاً به دلیل عدم آشنایی افراد به سیستم حقوقی و قضایی آن چندان به مصلحت نمی‌باشد (Jonathan Weinberg, 2001: 187-250); به ویژه زمانی که اختلاف بین اتباع یک کشور توسعه یافته با یک کشور در حال توسعه بوجود آمده باشد، توسل به مراجع محلی به دلیل اختلاف فاحش نظام‌های حقوقی این کشورها، مشکلات زیادی به دنبال خواهد داشت.

صرف نظر از موانع فوق، توسل به مکانیزم حل اختلاف وایپو، نسبت به توسل به مراجع قضایی ملی می‌تواند امتیازاتی را برای اصحاب دعوا به دنبال داشته باشد. مثلاً توسل به مرکز داوری وایپو، منجر به صدور رأی و پایان کشمکش میان طرفین اختلاف می‌شود. در حالی که توسل به مراجع ملی با توجه به آن که ممکن است در صلاحیت محاکم مختلفی قرار گیرد، ممکن است منجر به طرح دعاوی گوناگون و بروز نتایج گوناگون گردد. از سوی دیگر، توسل به روش‌های جایگزین، امکان انتخاب تصمیمات گیرندگان یک پرونده را به طرفین آن می‌دهد. در حالی که در توسل به مراجع ملی چنین امکانی برای اصحاب دعوا وجود ندارد (Julian D.M., 1994: 191).

در مواردی همانند انتخاب قوانین مربوط به آیین رسیدگی، قانون ماهوی حاکم بر دعوا، زمان و مکان دادرسی نیز در توسل به شیوه‌های جایگزین، طرفین اختلاف، آزادی عمل بسیار وسیع‌تری نسبت به توسل به مراجع ملی دارند. با توسل به شیوه‌های جایگزین، اصل بی‌طرفی به طور مطمئن‌تری رعایت می‌شود و خطر سوء استفاده و عدول از بی‌طرفی مرجع رسیدگی کننده به نفع تبعه خود و به ضرر تبعه بیگانه کاملاً منتفی است و در نتیجه پذیرش تصمیم نهایی و اجرای آن برای اصحاب دعوا بسیار آسان‌تر خواهد بود. محاکم ملی ممکن است تخصص لازم در زمینه مالکیت معنوی و قواعد حاکم بر تجارت بین‌الملل را نداشته و خود این امر نیز می‌تواند منافع طرفین این گونه اختلافات را به خطر بیندازد (Ch.Shany, 2004: 6). برخلاف مراجع قضایی ملی، رسیدگی در مرکز داوری وایپو، یک مرحله‌ای بوده و بدین وسیله از طولانی شدن فرایند رسیدگی و اتلاف وقت طرفین اختلاف جلوگیری می‌شود. نهایتاً این که اجرای آرای صادره از محاکم ملی با دشواری‌های زیادی رو به رو است که رفع آنها در بیشتر موارد موجب تحمیل هزینه هنگفت و صرف وقت زیادی می‌شود. در حالی که حداقل آرای صادره از برخی مراجع بین‌المللی، مثلاً آرای صادره از مرکز داوری وایپو، به ویژه در صورت عضویت کشور محل اجرای

رأی در کنوانسیون نیویورک، با دشواری کمتری روبه رو می‌باشند.

ب- مرکز داوری و میانجیگری وایپو در میان سایر شیوه‌های جایگزین: این نتیجه به دست آمد که توسل به مراجع قضایی ملی، روش مناسبی برای حل این گونه دعاوی نمی‌باشد. از سوی دیگر اصولاً هیچ مرجع قضایی بین‌المللی وجود ندارد که افراد بتوانند مستقیماً اختلافات تجاری خود (از جمله اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی) را نزد آن مطرح کنند (CF.G.Jaenicke, 1992: 43-44). اما مراکز زیادی در سطح بین‌المللی هستند که سعی می‌نمایند با توسل به شیوه‌های جایگزین اختلافات تجاری از جمله اختلافات مربوط به موضوعات گوناگون مالکیت معنوی را حل و فصل نمایند.

به نظر می‌رسد مرکز داوری و میانجیگری وایپو نسبت به تمام مراکز دیگر دارای امتیازات بیشتری باشد. این مرکز برخلاف بسیاری از مراکز داوری یک مرکز جهانی بوده و دارای اعتبار جهانی است. مرکز داوری وایپو امکانات اداری و اجرایی وسیعی را در اختیار افراد برای حل و فصل اختلافاتشان قرار می‌دهد؛ از جمله تمام خدمات مربوط به ترجمه، تفسیر، امور اداری، مشاوره و مکان‌های مناسب برای برگزاری آیین‌های داوری و میانجیگری. علاوه بر این گونه خدمات، مرکز در تهیه قراردادهای حاوی شرط توسل به مرکز داوری در صورت بروز اختلاف، ارائه آموزش‌های مفید در جهت چگونگی حل و فصل اختلافات راجع به مالکیت معنوی، ارائه مشاوره برای حل و فصل اختلاف از طریق توسل به داوری در خارج از سیستم اداری و اجرایی وایپو نیز به افراد کمک‌های شایان توجهی می‌نماید.

۲- رعایت تخصص

بیشتر موضوعات مالکیت معنوی تخصصی بوده و برای حل و فصل اختلافات مربوط به آنها به اطلاعات تخصصی و فنی نیاز است. در میان مراکز گوناگون بین‌المللی که از طریق شیوه‌های جایگزین می‌توانند اختلافات مربوط به مالکیت معنوی را حل و فصل نمایند، مرکز داوری وایپو دارای این امتیاز برجسته می‌باشد که مرکزی تخصصی است و دارای داوران و میانجیگرانی است که صاحب اطلاعات و تجارب لازم در این زمینه می‌باشند. هر چند برخی از حقوق‌دانان معتقدند که شیوه‌های مورد استفاده وایپو در همه موارد تخصصی نبوده و مجریان آنها صاحب تجربه و تخصص لازم نمی‌باشند (CFH.Van Houtte, 1995: 383). بی‌تردید حداقل در میان سایر مراجع و مراکز و به ویژه در مقایسه با حل اختلاف از طریق مراجع ملی که در بیشتر موارد همان مراجع عمومی و غیر تخصصی می‌باشند، مرکز داوری وایپو، یک مرجع تخصصی و فنی در خصوص حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت‌های معنوی است. حتی در مقایسه با رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که یک مرجع صالح برای حل انواع اختلافات تجاری است، مرکز داوری وایپو را باید یک مرجع تخصصی تلقی

نمود. مرکز داوری در جهت افزایش کیفیت کار و تخصص داوران و میانجیگران، علاوه بر آن که در انتخاب آنها به تجربه و تخصص مورد نظر در خصوص مالکیت معنوی توجه کافی می‌نماید، هر ساله نیز برای افزایش اطلاعات آنها در این زمینه کارگاه‌های آموزشی برگزار می‌کند. زمانی که از مرکز تقاضای داور یا میانجی می‌شود، مرکز با توجه به نوع اختلاف و ویژگی‌های تخصصی، آن داور یا میانجی را به متقاضیان معرفی می‌نماید.

۳- کمک به ایجاد آیین‌های مشترک در نظام‌های ملی

وایپو در گزارش خود در مورد بهترین رویه‌ها برای حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی به سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (CECD) و توصیه‌های مربوط به نحوه حل و فصل اختلافات مربوط به اسامی دامنه (WIPO, 2001: 5) بهترین روش‌های حل اختلافات حقوق مالکیت معنوی را، استفاده از شیوه‌های جایگزین اعلام نموده است.

از نظر وایپو حقوق مالکیت معنوی به ویژه مصادیقی همانند اسامی دامنه، جنبه جهانی داشته و آثار آنها در اکثر نقاط جهان قابل دسترسی است. در مواقع بروز اختلاف راجع به آنها، ممکن است مسئله تعارض صلاحیت‌ها مطرح گردد. اختلافات ممکن است در حوزه‌های قضایی مختلف مورد رسیدگی قرار گرفته و هر حوزه قضایی برای خود تصمیمی جدای از دیگر حوزه‌ها بگیرد و نهایتاً در مورد یک اختلاف، آرای گوناگون صادر گردد. در بسیاری از موارد مثلاً در مورد یک علامت تجاری که در چند کشور مورد سوء استفاده قرار گرفته است، صاحب حق مالکیت معنوی ممکن است برای دفاع از حقوق مجبور گردد در چندین حوزه قضایی ملی طرح دعوا نماید و این امر صرف نظر از خطر صدور آرای معارض، اساساً برای افراد امکان‌پذیر نیست. در بسیاری از موارد حل سریع یک اختلاف و جلوگیری از ادامه تخلف بسیار حیاتی و مهم است. مثلاً در مورد سوء استفاده گسترده از یک نام دامنه که برای صاحب آن دارای ارزش اقتصادی حیاتی است، طرح دعوا در حوزه‌های قضایی مختلف، امکان پیشگیری از ادامه تخلف و حل سریع اختلاف را از بین می‌برد (Ibid: 5).

با توجه به تنوع و گوناگونی موضوعات مالکیت معنوی که هر یک نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد، ایجاد یک مدل سازمان‌بندی شده و دقیق از شیوه‌های جایگزین برای همه آنها کار دشواری است. اما وایپو سعی کرده است در کنار ایجاد مرکز داوری که اساساً دارای صلاحیت عام نسبت به تمام موضوعات مالکیت معنوی است، در مواردی همانند اسامی دامنه که به دلیل ارتباط نزدیک آن با اینترنت ویژگی‌های خاصی داشته و موجب بروز تخلف و سوء استفاده بیشتری می‌گردد، شیوه‌های خاصی همانند روش یو. دی. آر. پی را به کار ببندد (WIPO, Report, 2001: 11).

وایپو به تدریج به دنبال توسعه روش مذکور در دیگر زمینه‌ها نیز می‌باشد. وایپو به تمام

کشورها پیشنهاد نموده است تا مشابه سیستم یو، دی، آر، پی (UDRP) شیوه‌های را در نظام‌های ملی خود ایجاد کنند (WIPO, cc TLD, Best practices, 6). وایپو در پیشنهاد خود از تمام ثبت‌کنندگان ملی خواسته است تا با کمک گرفتن از مرحله ثبت حقوق مالکیت معنوی، امکان حل اختلافات حقوق ثبت شده را از طریق توسل به شیوه‌های جایگزین به ویژه داوری، فراهم سازند. همچنین این سازمان در سال ۲۰۰۲ پیش‌نویس کنوانسیون را در مورد صلاحیت، شناسایی و اجرای آرای مربوط به اختلافات مالکیت معنوی تهیه کرده است که قطعاً در ایجاد آیین‌های مشترک در حوزه حقوق مالکیت معنوی بسیار مؤثر خواهد بود.

گفتار دوم: معایب و نواقص

۱- اختیاری بودن توسل به مکانیزم وایپو

برخلاف شیوه‌های قضایی ملی و نیز مکانیزم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، مرکز داوری وایپو نسبت به هیچ‌گونه دعوی صلاحیت اجباری ندارد، مگر آن که طرفین دعوا قبلاً در خصوص ارجاع اختلاف خود به آن توافق کرده باشند. طرفین اختلاف می‌توانند با آزادی کامل چه قبل از بروز اختلاف و چه بعد از آن، راجع به مراجعه به مرکز با یک دیگر توافق نمایند و تا زمانی که این توافق حاصل نگردد، مرکز هیچ‌گونه صلاحیتی جهت حل اختلاف میان آنها نخواهد داشت. به عبارت دیگر، برخلاف مکانیزم حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت که امکان طرح شکایت را پیش‌بینی نموده است، مکانیزم حل اختلاف وایپو صرفاً بر تراضی و توافق طرفین متکی است و هیچ‌یک از کشورها یا افراد ملزم نیستند برخلاف میل و رضایت شان به مرکز داوری مراجعه نموده و حل اختلافاتشان را به آن بسپارند. برای جبران فقدان قدرت الزامی، مرکز داوری وایپو مکرر به طرفین قراردادهای توصیه می‌نماید تا شرط مراجعه الزامی به مرکز را در صورت بروز اختلاف، در قراردادشان درج نمایند. هر چند اختیاری بودن مراجعه به مرکز داوری وایپو این امتیاز را دارد که طرفین اختلاف با اعتماد بیشتری تن به رسیدگی مرکز داده و نهایتاً تصمیم آن را منصفانه‌تر دانسته، و راحت‌تر اجرا می‌نمایند، اما در اجرای حقوق مربوط به حمایت از مالکیت معنوی تأثیر سوء بر جای گذاشته و اجرایی شدن حقوق مذکور را تضعیف می‌نماید. البته با توجه به فرایند کار مرکز داوری و به ویژه با توجه به تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر این مرکز در جهت افزایش کیفیت کار خود انجام داده است، با وجود الزامی نبودن مراجعه به آن، اقبال عمومی در ارجاع اختلافات به آن مطلوب و رضایت بخش بوده است.

۲- فقدان ضمانت اجرا

از ایرادهای دیگری که به مکانیزم حل اختلاف وایپو وارد گردیده، عدم پیش‌بینی یک سیستم ضمانت اجرای مؤثر در مکانیزم مذکور می‌باشد. مرکز داوری وایپو راجع به چگونگی و نحوه اجرای نتایج حاصل از حل و فصل اختلافات، مقررات خاصی را پیش‌بینی ننموده و نحوه اجرای تصمیمات اتخاذ شده را به برخی مقررات از پیش موجود، واگذار نموده است. نتایج حاصل از میانجیگری در صورتی برای طرفین الزام آور است که در ضمن یک قرارداد از پیش تعیین شده باشد. اما این که قدرت و درجه الزام این قرارداد تا چه حد است و اگر یکی از طرفین از پذیرش نتیجه میانجیگری سرباز زند، طرف مقابل چگونه و چه اقدامی باید انجام دهد، مقررات وایپو ساکت بوده و تعیین تکلیف ننموده است.

در مورد داوری نیز هر چند اجرای تصمیم داور یا داوران برای طرفین الزام آور می‌باشد. در صورت امتناع یکی از طرفین از پذیرش و اجرای رأی داوری، در مقررات وایپو راهکاری پیش‌بینی نشده و به نظر می‌رسد باید از مقررات موجود در حقوق بین‌الملل، مثلاً کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری یا مقررات ملی استفاده نمود که به تبع ابهام‌های و مشکلات زیادی را به دنبال خواهد داشت.

معایب مذکور که ویژگی تمام شیوه‌های جایگزین است، موجب تضعیف نقش مرکز داوری وایپو به عنوان یک نهاد مؤثر در حمایت از حقوق مالکیت معنوی گردیده است. این نواقص وایپو را به فکر چاره اندیشی و رفع آنها انداخته است. همان گونه که در قسمت‌های قبلی بیان گردید، وایپو با به کارگیری روش یو.دی.آر.بی که تا حدود زیادی نواقص مذکور را رفع می‌کند و تشویق کشورها به استفاده گسترده از آن در نظام‌های ملی، سعی نموده است در عین استفاده از مزایای شیوه‌های جایگزین، معایب آنها را نیز از بین ببرد.

اما بدون تردید استفاده از این روش در همه مصادیق حقوق مالکیت معنوی امکان‌پذیر نمی‌باشد. مثلاً در مواردی همانند حقوق کپی‌رایت نمی‌توان از روش مذکور استفاده نمود. وایپو نیز استفاده از این روش‌ها را در مواردی همانند اسامی دامنه، علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی به کشورها پیشنهاد نموده است (O. L. O. dewitt, Wijnen 1994: 236).

علاوه بر آن، استفاده از روش مذکور نیاز به زیر ساخت‌های حقوقی، تکنیکی و امکانات مجهز در سیستم‌های ثبت ملی دارد. در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته، سیستم‌های ثبت در انحصار دولت و بخش عمومی جامعه بوده و علاوه بر مشکلات تکنیکی و فنی، ظرفیت‌های حقوقی لازم برای انتقال قسمت عمده‌ای از دعوای از دستگاه قضایی به مکانیزم‌های غیر قضایی و تقریباً خصوصی وجود ندارد.

گفتار اول: مزایا

۱- ایجاد سیستم یکپارچه حل اختلاف با صلاحیت قهری و انحصاری

یکی از بزرگ‌ترین ابتکارهای سازمان جهانی تجارت، ایجاد یک سیستم یکپارچه حل اختلاف است. برخلاف مکانیزم حل اختلاف وایپو که صرفاً صلاحیت حل و فصل دعاوی مربوط به مالکیت معنوی را دارد، مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت می‌تواند تمام بخش‌های گوناگون تجارت جهانی را تحت پوشش قرار دهد. صرف نظر از آثار مثبت این صلاحیت عام در بخش‌های مختلف تجارت، در حوزه مالکیت‌های معنوی نیز می‌توان برای آن امتیازهای فراوانی ذکر نمود. موافقتنامه تریپس جزء لاینفک سیستم سازمان تجارت می‌باشد و در مکانیزم یکپارچه حل اختلاف برای الزام هر چه بیشتر کشورها به رعایت تعهداتشان از روش «تلاقی ضربدردی یا متقاطع» (Cross Retaliation) استفاده می‌شود. بر این اساس اگر کشوری به اجرای تعهدات خود در حوزه مالکیت معنوی عمل نکند و توصیه‌ها و دستورات ارکان مختلف مکانیزم حل اختلاف را نیز اجرا نکند، رکن مذکور می‌تواند از طریق توسل به روش‌هایی همانند اعمال تحریم در سایر بخش‌های تجاری، کشور خاطی را به اجرای تعهداتش مجبور نماید (آگوستین و دیگران، ۱۳۷۶: ۴۷).

بر اساس ماده ۲۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف، اگر یکی از اعضای سازمان تجارت با نقض مقررات این سازمان یا یکی از موافقتنامه‌های تحت پوشش آن روبه رو گردد، باید برای تعیین موارد نقض صرفاً به رکن حل اختلاف متوسل گردد و از انجام اقدامات یکجانبه یا متقابل خودداری نماید. در جریان شکایت علیه آمریکا، مبنی بر نقض ماده ۲۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف، به موجب پیش‌بینی امکان توسل این کشور به اقدامات یکجانبه در قانون شماره ۱۹۷۴، در صورت نقض مقررات تجاری از سوی دیگر کشورها، پانل آن را نوعی نقض صلاحیت انحصاری رکن حل اختلاف تلقی نموده و اعلام نمود این امر در پرتو قدرت اقتصادی آمریکا می‌تواند تهدید جدی علیه سیستم تجارت دسته جمعی باشد (WT/DS165/R, para. 6.133.12).

۲- وجود قانون ماهوی از پیش تعیین شده

یکی دیگر از ویژگی‌های رکن حل اختلاف، وجود قانون ماهوی از پیش تعیین شده می‌باشد (Palmer and Mavroidis, 1998: 398). بر اساس بند دوازده ماده سه تفاهم‌نامه حل اختلاف، پانل‌ها بر اساس مقررات سازمان تجارت و موافقتنامه‌های تحت پوشش آن، به اختلافات طرح شده رسیدگی می‌نمایند. از نظر عده‌ای، وجود قانون ماهوی از پیش موجود، نه تنها نمی‌تواند یک امتیاز محسوب گردد، بلکه موجب ورود ایرادهای جدی نسبت به آن نیز می‌باشد. به ویژه در مورد

موضوعاتی از حقوق مالکیت معنوی همانند کپی‌رایت و حق پاتنت که از نظر این عدد، به دلیل آن که صرفاً بر اساس مقررات تریپس سنجیده و مورد قضاوت قرار می‌گیرند، در بسیاری از موارد منجر به نقض تعهدات حقوق بشری اعضای سازمان تجارت می‌گردند. از نظر آنها با توجه به این که پائل‌ها نیز اصولاً نمی‌توانند حقوق و تعهدات کشورهای عضو را کم یا زیاد کنند، به تبع نمی‌توانند در بررسی‌های خود تعهدات حقوق بشری کشورها را در نظر گیرند (7: Gabrielle Marceau).

به نظر این گروه، مقررات ماهوی حاکم بر رکن حل اختلاف موجب شده است سازمان تجارت از نظام حقوقی بین‌المللی منفک گردد. اما به نظر می‌رسد، این انتقاد نسبت به نظام حقوقی حاکم بر سازمان تجارت وارد نیست.

رویه قضایی رکن حل اختلاف بیانگر این واقعیت است که پائل‌ها و هیأت استیناف مقررات سازمان و موافقتنامه‌های تحت پوشش آن را با در نظر گرفتن مقررات حقوق بین‌الملل به کار گرفته و اعمال می‌نمایند. آنها اصول کلی حقوقی را مورد توجه قرار داده و مکرر در تصمیمات خود به آنها استناد کرده‌اند. در قضیه موزها، هیأت استیناف در جهت اثبات حق طرفین دعوا در تعیین ترکیب هیأت نمایندگی خود نزد هیأت استیناف، استدلال نمود که هیچ یک از مقررات تفاهم‌نامه حل اختلاف و نیز حقوق بین‌الملل عرفی یا رویه غالب محاکم بین‌المللی، مانع از اعطای این حق به کشورها نیست (Appellate Body in EC - Bananas III, para. 10). همین طور در مورد تبیین مفهوم بار دلیل، هیأت استیناف در مقررات سازمان تجارت از اصول کلی حقوقی کمک گرفته است (Appellate Body in US - Shirts and Blouses, at 14) یا در تفسیر، مفهوم اصل عطف بماسبق نشدن (Nonretroactivity) در مورد مقررات تریپس، پائل با تکیه بر اصول کلی حقوقی به این نتیجه می‌رسد که مقررات تریپس، نباید به گذشته تسری داده شود. بر اساس مواد ۱، ۳، ۴، ۷، ۱۱ و ۱۹ تفاهم‌نامه حل اختلاف می‌توان استنباط نمود که سازمان تجارت در واقع یک زیر سیستم حقوق بین‌الملل (subsystem of international law) است که از قواعد ویژه‌ای در زمینه حقوق و تعهدات، دعاوی، جبران خسارت و اقدامات متقابل برخوردار می‌باشد و اصطلاحاً از یک رژیم خود تعیینی (self-contained regime) دارد (Simma, 1985: 117). اما این سیستم حقوقی کوچک، منفک و متعارض از سیستم بزرگ حقوق بین‌الملل نیست و باید هماهنگ با آن تفسیر و اجرا گردد. بر اساس مقررات تفاهم‌نامه حل اختلاف و رویه رکن حل اختلاف، تفسیر مقررات سازمان تجارت باید با توجه به اصول کلی مندرج در حقوق بین‌المللی عرفی انجام شود (ماده ۱۱ تفاهم‌نامه حل اختلاف). مسلماً این امر موجب می‌شود تا این مقررات در یک حالت تجریدی و منفک از سایر مقررات حقوق بین‌الملل اعمال نگردند. هیأت استیناف نیز در اولین تفسیر خود از مقررات سازمان تجارت، به تبعیت خود از مقررات

بین الملل عمومی و قواعد عرفی تفسیر صراحتاً اشاره کرده است (WT/DS2/AB/R, 1996: 18). در رکن حل اختلاف، حتی به موافقتنامه‌های دو جانبه و منطقه‌ای که جزئی از مقررات سازمان تجارت نمی‌باشند هم توجه شده است. در قضیه موزها، هیأت استیناف، پانل را به دلیل عدم توجه به مقررات کنوانسیون لومه، در رابطه بین آمریکا و اتحادیه اروپا، مورد نکوهش قرار داده است. در دعوی برزیل و اتحادیه اروپا نیز هیأت استیناف، در تفسیر جدول زمانبندی برزیل، به در نظر گرفتن توافقنامه دوجانبه بین برزیل و اتحادیه اروپا به رغم این که جزء مقررات سازمان تجارت نبوده، تأکید ورزیده است (Ibid: 498).

۳- فرآیند دادرسی سازمان بندی شده و توأم با ضمانت اجرا

یکی از امتیازهای بارز مکانیزم حل اختلاف سامان تجارت جهانی، پیش‌بینی فرآیند دادرسی سازمان بندی شده و مشخص می‌باشد. رکن حل اختلاف همانند دادگاهی است که اولاً نسبت به حل اختلاف تمام اعضای سازمان تجارت، صلاحیت اجباری دارد و ثانیاً دارای آیین دادرسی از پیش تعیین شده و مشخصی می‌باشد.

مؤسسان سازمان جهانی تجارت سعی نمودند تا با تجربه گرفتن از نواقص و کاستی‌های سیستم حل اختلاف گات، یک سیستم حل اختلاف مفید و مؤثری را ایجاد نمایند. در سیستم حل اختلاف گات، هیچ گونه برنامه زمان‌بندی شده و منظمی وجود نداشت و احکام صادره به راحتی نادیده گرفته می‌شد و بسیاری از اختلاف‌ها برای مدت‌های طولانی بی نتیجه باقی می‌ماند.

موافقتنامه دور اروگوئه، فرآیند سازمان یافته‌ای را همراه با تعیین دقیق مراحل رسیدگی برای حل اختلاف معرفی کرد. در این موافقتنامه، زمانبندی حل و فصل اختلافات نظم بیشتری یافته است. به گونه‌ای که برای حل و فصل هر اختلاف معلوم است که چه مقدار زمان لازم است و همان طور که در قسمت‌های قبلی بررسی گردید، رکن حل اختلاف کاملاً مقید به رعایت فرآیند پیش‌بینی شده می‌باشد و آن را رعایت می‌کند.

این فرآیند دقیق و سرعت بالا موجب کوتاه شدن فرآیند دادرسی و حل سریع اختلافات می‌شود. بی‌تردید در تمام اختلاف‌های تجاری حل سریع اختلاف‌ها اهمیت بسیار دارد. در دعوی مربوط به حقوق مالکیت معنوی نیز این امر می‌تواند از اتلاف وقت و سرمایه جلوگیری کند. در این مکانیزم به طور ماهرانه‌ای به سازمان‌بندی و گنجانیدن برخی از شیوه‌های جایگزین در کنار شیوه‌های قضایی توجه شده است. مکانیزم مذکور دارای مقررات نسبتاً کامل و مشخصی راجع به اجرای تصمیمات و تضمین اجرای آنها می‌باشد. پذیرش و اجرای تصمیمات رکن حل اختلاف برای اصحاب دعوی الزامی و لازم‌الاجرا است و رکن حل اختلاف بر اجرای تصمیمات مذکور نظارت دقیقی به عمل می‌آورد. در واقع تریبس برای اولین بار با پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر، زمینه حمایت جدی از حقوق مالکیت معنوی را فراهم کرده است.

۴- تسریع در فرایند قانون سازی و توسعه حقوق مالکیت معنوی

طرفداران مکانیزم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت معتقدند که این مکانیزم می‌تواند تأثیر زیادی بر فرآیند قانون سازی هماهنگ در حوزه حقوق مالکیت معنوی و رشد و توسعه آن داشته باشد (Pamela Samuelson, 2003: 13) با توجه به آن که نظام‌های حقوقی ملی در حوزه مالکیت معنوی با یک دیگر متفاوت‌اند، پانل‌های حل اختلاف، با الزام کشورها به اجرای مقررات یکسان، نظام‌های ملی را به سمت هماهنگ شدن و رفع اختلافات موجود سوق می‌دهد (Ibid: 14). از سوی دیگر، کشورها مکلف می‌گردند مقررات داخلی خود را اصلاح کرده و با استانداردهای تریپس منطبق سازند. بدین وسیله حقوق مالکیت معنوی در سطح نظام‌های ملی رشد و توسعه می‌یابد.

تمام کشورهای عضو سازمان تجارت مکلف‌اند قوانین داخلی خود را با مقررات تریپس هماهنگ سازند و بی‌توجهی آنها نسبت به انجام این تعهد ممکن است منجر به دخالت مکانیزم حل اختلاف و اتخاذ تصمیمات جدی علیه آنها بشود (David Palmetter, 1999: 82). بی‌تردید آنها علاقه‌ای به این امر نداشته و تلاش می‌کنند بدون فشار به تعهدات خود عمل نمایند. این امر تا جایی است که حتی به طور غیرمستقیم کشورهای غیرعضو را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ کشورهایی که هیچ گونه تعهدی در قبال اجرای مقررات تریپس ندارند، اما به دلیل ضرورت برقراری مرادوات تجاری با کشورهای عضو سازمان تجارت ناگزیرند تا حدودی استانداردهای مورد نظر آنها در حقوق مالکیت معنوی را تأمین نمایند. در غیر این صورت ممکن است کشورهای عضو در برقراری روابط تجاری با آنها علاوه بر موانع اقتصادی و تجاری، با موانع قانونی نیز رو به رو گردند.

گفتار دوم: معایب رکن حل اختلاف تریپس

۱- عدم امکان توسل افراد به طور مستقیم

گسترده‌ترین عرصه طرح موضوعات، مربوط به مالکیت معنوی در روابط میان افراد خصوصی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی است و به تبع بیشتر اختلاف‌های مربوط به این گونه موضوعات نیز در همین گستره ایجاد می‌شود. صرف نظر از اختلاف‌هایی که جنبه داخلی دارند، در مورد اختلاف‌های مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی، وجود یک مکانیزم سازمان‌بندی شده و کارآمد همانند رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بدون تردید می‌تواند در جهت حل و فصل هر چه سریع‌تر این گونه اختلاف‌ها بسیار مؤثر و مفید باشد.

مؤسسان سازمان جهانی تجارت، صرفاً صلاحیت رسیدگی به اختلافات کشورها را به رکن حل اختلاف سازمان مذکور اعطا نموده و کشورها همانند فیلترهای هستند که افراد فقط از طریق آنها می‌توانند نزد رکن حل اختلاف طرح دعوا نمایند (Rosas, 2001: 135 و ر.ک: Hoekman, 1999). و رکن مذکور

فاقد هر گونه صلاحیتی در جهت حل و فصل اختلافات میان افراد می‌باشد. بدین شکل به نظر می‌رسد در جهت حفظ حقوق بخش خصوصی تلاش جدی انجام نگرفته و عمده توجه آنها به منافع بخش عمومی بوده است. فلسفه این عدم صلاحیت به نظر برخی از حقوق دانان، ناشی از حاکمیت همان تفکر قدیمی در مورد سازمان‌های بین‌المللی دولتی بر سازمان جهانی تجارت می‌باشد. البته در مقررات تریپس، به حل و فصل اختلافات بخش خصوصی در سطح نظام‌های ملی توجه گردیده است. در مقررات تریپس، تکالیف زیادی برای کشورهای عضو در جهت ایجاد رویه‌های منصفانه قضایی، اداری و اجرایی که افراد بتوانند به راحتی به آنها دسترسی داشته و اختلافات خود را از طریق آنها حل و فصل نمایند، پیش‌بینی گردیده است (پترزمن، ۲۰۰۴: ۳۹).

۲- الزام آور بودن مکانیزم تریپس و محدود شدن حاکمیت کشورها

یکی از پیامدهای بسیار مهم تریپس، کاهش اختیارات و صلاحیت‌های ملی و توسعه دامنه اجرای قوانین بین‌المللی در عرصه حقوق مالکیت معنوی است.

اختیارات گسترده نظام‌های ملی در این حوزه با تکیه بیش از اندازه بر ویژگی سرزمینی حقوق مالکیت معنوی، مدت‌های مدیدی مانع از شکل‌گیری یک نظام حقوقی متحدالشکل و یکسان در سطح بین‌المللی در حقوق مالکیت معنوی گردیده بود.

دستاورد این حکمرانی بی چون و چرای ملی، چیزی جز شکل‌گیری نظام‌های حقوقی پراکنده و ضعیف نبود. این پراکندگی از یک سو و طبیعت سیار حقوق مالکیت معنوی از سوی دیگر، موجب بروز تعارضات پیچیده و بعضاً غیر قابل حلی در این حوزه گردیده و در بیشتر مواقع به جای حمایت از صاحبان حقوق مالکیت معنوی، موجب تضییع حقوق آنها می‌گردید. اگرچه دیگر اسناد مربوط به حقوق مالکیت معنوی هم در یکسان سازی قوانین و شکل‌گیری استانداردهای بین‌المللی نقش مؤثری داشته‌اند، اما نقش تریپس از این جهت اهمیت بیشتری دارد. سند مذکور با پیش‌بینی مکانیزم اجباری حل اختلاف‌ها، عملاً موجب انتقال قسمتی از قدرت و صلاحیت قانون سازی نظام‌های ملی به نظام بین‌الملل گردیده و به کاربردی شدن حقوق و تعهداتی که سالیان سال در مباحثات و نظریات تئوریکي مرور می‌شد، کمک کرده است. با وجود این، این ایراد مطرح شده است که اصل حاکمیت و حفظ استقلال سیاسی که یکی از اصول مهم حاکم بر روابط کشورهاست، با ایجاد مکانیزم حل اختلاف مذکور تا حدود زیادی محدود گردیده است. مکانیزم مذکور از این جهت مورد ایراد است که از سویی گسترده‌گی دامنه صلاحیت آن و از سوی دیگر الزامی و اجباری بودن صلاحیت مذکور، موجب محدود گردیدن حاکمیت کشورهای عضو گردیده و آزادی عمل آنها را تا حدود زیادی از بین می‌برد. به نظر می‌رسد اگرچه محدود شدن حاکمیت کشورها از طریق مکانیزم

حل اختلاف سازمان تجارت را نمی‌توان منکر گردید، نباید آن را به عنوان یک نقطه ضعف تلقی نمود، بلکه می‌توان آن را ابتکاری مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی و مناسب با شرایط جدید جامعه ملل دانست؛ به ویژه در حوزه مالکیت معنوی، محدود گردیدن حاکمیت کشورها می‌تواند تا حدود زیادی در شکل‌گیری یک نظام یکسان کمک کرده و امکان بیشتری را برای حمایت از این حقوق در سراسر جهان فراهم سازد.

۳- وجود موانع جدی بر سر راه توسل کشورهای در حال توسعه

مکانیزم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در واقع مجموعه‌ای از اقدامات انجام شده در زمان حیات گات همراه با اتخاذ برخی تدابیر جدید می‌باشد. هر چند بیشتر مفسران معتقدند تدابیر اتخاذ شده در مکانیزم فعلی اساساً قابل مقایسه با مکانیزم قبلی نمی‌باشد (Muro, J, and Gappah, 2000: 395)، اما هنوز هم موانع جدی بر سر راه توسل کشورهای در حال توسعه به مکانیزم حل اختلاف وجود دارد. یکی از موانع جدی، پیش‌بینی شیوه کنسانسوس یا اجماع منفی است که در موارد مختلف از جمله در مکانیزم حل اختلاف به کار گرفته شده و تا حدود زیادی باعث دل‌نگرانی و عدم اعتماد کشورهای در حال توسعه به مکانیزم مذکور گردیده است. اگر چه کنسانسوس فوایدی هم برای کشورهای در حال توسعه به دنبال داشته که از جمله آنها می‌توان از نقش مؤثرتر آنها در مرحله مذاکره نسبت به قبل نام برد (فرنیو، ۲۰۰۲: ۲۴)، اما واقعیت این است که به دست آوردن اجماع، به ویژه در مورد کشورهای توسعه یافته، به وسیله کشورهای در حال توسعه امر بسیار دشواری است. محدود گردیدن زمان رسیدگی به مواعید معینی که از جمله اصلاحات مهم مکانیزم فعلی نسبت به قبلی است، از نظر برخی حقوق‌دانان از جمله دیگر موانع جدی توسل کشورهای در حال توسعه به مکانیزم مذکور است. این کشورها مواعید تعیین شده را در موارد زیادی کافی ندانسته و انطباق خود با آن را بنا به علل گوناگون از جمله موانع اقتصادی و تکنیکی، غیر ممکن می‌دانند (فرنیو، ۲۰۰۰: ۲۵). امکان توسل به داوری که به موجب ماده ۲۵ تفاهم‌نامه حل اختلاف پیش‌بینی گردیده، از نظر برخی حقوق‌دانان موجب نگرانی‌هایی برای کشورهای در حال توسعه گردیده است. این کشورها معمولاً نگران این مسئله‌اند که در پرتو توسل به داوری اجباری، ملاحظات سیاسی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته به این کشورها تحمیل گردد. فقدان منابع مالی و انسانی از جمله دیگر موانع توسل کشورهای در حال توسعه به مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت می‌باشد (Mukerji, A, 2000: 69).

مشکل قیمت مخصوصاً زمانی که اختلاف بین یک کشور در حال توسعه با یک کشور قدرتمند صنعتی ایجاد گردیده باشد، بسیار جدی است (Wilson, 2000: 78). پیش‌بینی رفتار ترجیحی نسبت به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در فرایند رسیدگی به وسیله رکن حل اختلاف، در ابتدا

برای این کشورها بسیار جذاب و وسوسه کننده بود، اما به تدریج و در رویه معلوم گردید که موانع جدی بر سر راه این کشورها در ارتباط با استفاده از رفتار ترجیحی وجود دارد. بسیاری از این مقررات به دلیل فقدان صراحت و دقت قابل اجرا نمی‌باشند و به همین دلیل بسیاری از حقوق‌دانان این مقررات را مقررات تشویقی توصیف می‌کنند (Qureshi, 1996: 142). علاوه بر آن، رویه مکانیزم نشان داده است که پانل‌ها در عمل چندان توجهی به رعایت مقررات رفتار ترجیحی نداشته و در بسیاری از موارد از رعایت آن سرباز زده‌اند.^۱ اقدام متقابل یکی از ضمانت‌اجراهایی است که در مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت پیش‌بینی گردیده و نقش مهم و اساسی در مکانیزم مذکور ایفا می‌کند. میزان تأثیر این ضمانت‌اجرا به امتیازهای موجود بین کشورهای درگیر در اختلاف و میزان تأثیر آنها بر یکدیگر بستگی دارد. از آن جا که اصولاً بین کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته اختلاف عمیقی وجود دارد، معمولاً توسل کشورهای در حال توسعه به این ضمانت‌اجرا علیه کشورهای توسعه یافته اثر چندانی نداشته و منافع اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تأمین نمی‌کند. با توجه به این که کشورهای در حال توسعه اصولاً سرمایه‌پذیر بوده و همواره به دانش و تکنولوژی کشورهای توسعه یافته نیازمندند، توسل به اقدامات متقابل به ویژه تعلیق امتیازهای کشورهای توسعه یافته، نه تنها به الزام این کشورها به پایبندی آنها در مقابل کشورهای در حال توسعه کمک چندانی نمی‌کند، بلکه پیامدهای اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت حادی را برای این کشورها به دنبال خواهد داشت (Horn, 2000: 19). کشورهای کمتر توسعه یافته نیز از این جهت خطری برای کشورهای توسعه محسوب نگردیده و توسل آنها به اقدامات متقابل، تأثیری بر وضعیت اقتصادی کشورهای توسعه یافته ندارد. رویه نیز نشان داده است که کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته عضو سازمان تجارت، به خوبی دریافته‌اند که توسل به اقدامات متقابل از سوی آنها تأثیر چندانی نداشته ولی توسل به این اقدامات از ناحیه کشورهای توسعه یافته علیه آنها خطرات جدی را برای آنها به دنبال خواهد داشت.^۲

۱- مثال‌های زیادی برای امتناع پانل‌ها از اجرای قواعد مربوط به رفتار ترجیحی نسبت به کشورهای در حال توسعه وجود دارد. یک نمونه به اختلاف بین اتحادیه اروپا و کشور اکوادور مربوط می‌گردد که در سال ۱۹۹۸ نزد مکانیزم حل اختلاف مطرح گردیده و به رغم درخواست اکوادور مبنی بر تجدید مهلت بر اساس بند ۵ از ماده ۲۱ تفاهم‌نامه حل اختلاف و تقاضای صدور توصیه‌هایی از سوی پانل به طرف مقابل، پانل از پذیرش این درخواست خودداری نمود. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد رک:

Request of 1 & December 1998 by Ecuador, WTO Document WT/DS 27/41. Footer, M.E. Developing Country Practice in the Matter of WTO dispute Settlement, Journal of World Trade. ISSN 1011-6702. 2001. 35 (1), 55-98, p.73.

۲- کیس‌های زیادی وجود دارد که در آنها بنا به درخواست یک یا چند کشور در حال توسعه، پانل حل اختلاف اجازه توسل به اقدامات متقابل علیه یک یا چند کشور توسعه یافته را داده است. اما عملاً کشورهای در حال توسعه نتوانسته

فصل سوم: ارتباط بین تریپس و وایپو

گفتار اول: تفاوت های وایپو و تریپس

در هنگام مذاکرات مربوط به ایجاد تریپس، برخی از کشورها با ایجاد دو متولی در امور مالکیت معنوی مخالفت می‌نمودند و اصرار بر انتخاب یکی از این دو داشتند. کشورهای در حال توسعه با تکیه بر کارایی وایپو، با تردید به تریپس نگرسته و بر ترجیح وایپو و عدم ضرورت ایجاد نهادی جدید در امور مالکیت معنوی، تأکید می‌ورزیدند (Reichman, 1993: 661). برخی از کشورها نیز وایپو را تا حدودی ناتوان دانسته و بر ایجاد تریپس به عنوان یک ضرورت اصرار داشتند. اما غالب مذاکره کنندگان بر ایجاد نهادی که در کنار وایپو و دیگر نهادهای مربوط به مالکیت‌های معنوی فعالیت کند، تأکید داشتند و هیچ‌گاه تفکر جانشینی تریپس به جای وایپو به طور جدی مطرح نگردید. ناتوانی وایپو در حل اختلافات کشورها و وجود ویژگی‌هایی همچون تعیبه مکانیزم حل و فصل دعاوی با صلاحیت انحصاری و اجباری در سازمان تجارت، جامع بودن سازمان تجارت و اشراف آن بر موضوعات گوناگون تجاری و اتصال موضوع مالکیت‌های معنوی به دیگر موضوعات تجاری که قطعاً تأثیر بسیار مثبتی در هرچه کارآمدتر شدن مکانیزم حل و فصل دعاوی، داشته است، شبه ناتوانی وایپو و جایگزینی تریپس را مطرح کرده است (Hanns Ullrich, 1989: 142).

برخی به اشتباه تصور می‌کنند وایپو و تریپس رقیب یکدیگرند و هر یک سعی می‌کند دیگری را مغلوب خود ساخته و متولی منحصر حوزه مالکیت معنوی گردد (Bal Gopal, 1994: 27). از بررسی علل و اهداف ایجاد تریپس، نوع فعالیت و کارکرد آن، فعالیت‌های وایپو و نوع ارتباط و همکاری این دو سازمان، نادرست بودن این تفکر کاملاً آشکار می‌گردد.

در مورد حل و فصل اختلاف های، صرف نظر از این که مکانیزم حل اختلاف های وایپو اصولاً در جهت حل اختلافات افراد ایجاد گردیده، در حالی که رکن حل اختلاف تریپس، صلاحیت فیصله دادن به اختلافات کشورها را دارد، یک تفاوت بسیار اساسی و زیر بنایی را باید مورد توجه

از این ضمانت اجرا به نفع خود استفاده کند. از جمله می‌توان به اختلاف‌های بین کشورهای اکوادور، گواتمالا، هندراس و مکزیک با اتحادیه اروپا که بدنبال نقض مقررات WTO در مورد واردات موز بوسیله اتحادیه اروپا از کشورهای مذکور ایجاد گردید و به کیس جنگ موزها bananas war معروف گردیده، اشاره نمود که هر چند کشورهای آمریکای لاتین موفق به کسب اجازه توسل به اقدامات متقابل در مقابل اتحادیه اروپا گردیدند اما عملاً از این ضمانت اجرا نتوانستند استفاده کنند. برای مطالعه این کیس رک:

WTO DSB-Report WT/DS 27 / AB / R. 9. September 1997.at, Brimever, B.L.Bananas, Beef, and Compliance in the World Trade Organisation: The Inability of the WTO Dispute Settlement Process to Achieve Compliance Journal of Global Trade, 2001. winter, 133- 168, p.147- 155.

قرار داد. واپیو شالوده اصلی نظام حقوقی خود را بر پایه اصل همکاری کشورها و حسن نیت آنها در پذیرش و اجرای تعهدات مربوط به حمایت از حقوق مالکیت معنوی قرار داده است.

اعتقاد و باور زیر بنایی موسسان واپیو بر عدم الزام کشورها و اجرای داوطلبانه تعهدات ناشی از عضویت در سازمان، از جمله حل و فصل دعاوی بوده است. براساس همین اعتقاد و شالوده اصلی، اعضای این سازمان در انتخاب شیوه حل دعاوی مختار بوده و می‌توانند براساس صلاحدید خود عمل کنند. مکانیزمی اجباری در این مورد پیش‌بینی نشده و حتی در طرح پیشنهادی برای ایجاد مکانیزمی در مورد حل دعاوی کشورها^۱، باز هم بر رعایت حق انتخاب کشورها، تکیه شده است.

در نقطه مقابل، در تریپس اصل بر محدود شدن حاکمیت‌ها و واگذاری قسمتی از صلاحیت‌ها و اختیارات کشورها به یک نهاد بین‌الدولی است. در سازمان تجارت و از جمله تریپس، تعهدات توأم با نوعی الزام و اجبار می‌باشد و البته الزام و اجباری که همراه با قدرت و زور است. در این سازمان برای الزام کشورها به انجام تعهدات ناشی از عضویتشان، مکانیزم دقیق و سازمان‌بندی شده حل و فصل دعاوی ایجاد گردیده است که از صلاحیت انحصاری و اجباری نسبت به تمام اعضا برخوردار می‌باشد و قسمت‌های زیادی از فرایند دادرسی آن اتوماتیک‌وار عمل کرده و از اختیار طرفین دعوا خارج است. تصمیم‌های گرفته شده در آن برای طرفین الزام‌آور است؛ به ویژه با پیش‌بینی اصل کنسانسوس یا اجماع منفی در بسیاری از مراحل، قدرت تأثیر گذاری کشورها بسیار ناچیز است.

براساس همین تفاوت اساسی، سیستم مورد پیشنهاد واپیو برای حل اختلاف‌های کشورها تا حدود زیادی با مکانیزم حل دعاوی تریپس متفاوت می‌باشد. سیستم پیشنهادی واپیو، عمدتاً به دنبال تأمین منافع بخش عمومی جامعه است.

در سیستم پیشنهادی واپیو، اجبار و الزام به شکل تریپس وجود ندارد و بر همین اساس کشورها با توافق، اختلاف خود را نزد آن مطرح می‌نمایند و هیچ گونه ضمانت اجرای قهری نیز در آن پیش‌بینی نشده است. سیستم پیشنهادی واپیو اصولاً برای جلوگیری و حل اختلاف کشورها در مورد استتباطات و تفسیرشان از مقررات معاهدات مربوط به مالکیت معنوی است و نه در مورد نقض این مقررات در نظام‌های ملی.

هر چند برخی با انعقاد معاهده مذکور و ایجاد مکانیزم آن مخالف بوده و آن را عملی تکراری و زاید می‌دانند، بیشتر حقوق‌دانان معتقدند واپیو به دلیل مدیریت و اداره بیشترین تعداد معاهدات مربوط به مالکیت معنوی، از صلاحیت و تجربه بیشتری برای حل اختلافات مالکیت معنوی مربوط به کشورها برخوردار است و می‌تواند نقش مناسب‌تری را ایفا کند (Bal Gopal: 11).

1- Draft Treaty on the Settlement of Disputes Between States in the Field of Intellectual Property, WIPO Doc. SD/CE/VI/2,

صرف نظر از ایجاد یا عدم ایجاد مکانیزم جدیدی از سوی وایپو، با اطمینان می‌توان گفت وایپو و تریپس رقیب یکدیگر نمی‌باشند. آنها دو نهاد غیرمتجانس و جدای از هم، با اهداف مشترک اند که هر دو به دنبال حمایت از حقوق مالکیت معنوی می‌باشند. سیستم حل اختلاف تریپس با سیستم حل اختلاف موجود و سیستم پیشنهادی وایپو، می‌تواند مکمل یکدیگر باشند.

گفتار دوم: رابطه متقابل بین وایپو و تریپس

همان گونه که گفته شد وایپو و تریپس همدیگر را تکمیل می‌کنند. در کنار یکدیگر بهتر می‌توانند از مالکیت معنوی حمایت کنند (Gian Carlo, 2003: 39) و بین آن دو یک رابطه متقابل وجود دارد. وایپو در تمام معاهداتی که بعد از ایجاد تریپس منعقد کرده است، از اصول و قواعد تریپس الهام گرفته و تا حدود زیادی از آنها تبعیت کرده است و به عکس همواره پانل‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز معاهدات وایپو را در نظر داشته و در موارد زیادی برای تفسیر مقررات سازمان از آنها استفاده کرده‌اند. این مسئله همواره در پانل‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ بند یک ماده ۷۱ تریپس نیز شورای تریپس را مکلف کرده است که مقررات معاهده مذکور را در پرتو تحولات جدیدی که در عرصه حمایت از مالکیت معنوی اتفاق می‌افتد، اصلاح و تفسیر نماید و این همه بیانگر این حقیقت است که مؤسسان تریپس قصد ایجاد یک سیستم حمایتی کاملاً منفک و مجزا از سیستم وایپو را نداشته و برقراری تعامل و هماهنگی با آن را مد نظر داشته‌اند. وایپو نیز همواره ایجاد این تعامل و هماهنگی را دنبال کرده است و این نظر که چون وایپو معاهدات خود را خارج از چهارچوب و ساختار تریپس منعقد کرده مسیر کاملاً مجزا و منفکی را در پیش گرفته که برقراری هر گونه تعامل و هماهنگی بین دو سازمان را منتفی و غیر ممکن می‌سازد، نادرست است (Myra, 2005: 17). همچنین این تصور که وایپو و تریپس در رقابت با یکدیگرند و نمی‌توانند هماهنگ با هم فعالیت کنند، تصور غلطی است. این دو سازمان هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و می‌توانند در کنار یکدیگر و هماهنگ با هم برای تحقق آن تلاش نمایند (BAL Gopal: 56). در عمل مکانیزم حل اختلاف در هر دو سازمان وایپو و تریپس مورد اقبال و توجه فعالان حوزه مالکیت معنوی قرار گرفته است. هر دو سازمان علاوه بر آن که برای حل اختلاف‌های تلاش کرده و تدابیر زیادی اندیشیده‌اند، از جهاتی هم یکدیگر را تکمیل کرده‌اند. به عنوان نمونه، همان گونه که قبلاً هم گفته شد، برخی از موضوعات بسیار مهم مانند

۱- به عنوان نمونه به کیس زیر توجه شود:

اسامی دامنه، مورد توجه تریپس قرار نگرفته است. در این گونه موارد واپیو سعی نموده است با وضع قواعد و مقررات جامع، این خلأ را پوشش دهد. این امر موجب گردیده تا مرکز داوری واپیو در حل و فصل اختلاف‌های مربوط به موضوعات مذکور، مرکز ثقل و توجه ویژه قرار گیرد.

در نقطه مقابل، یکی از دستاوردهای بسیار ارزشمند سازمان تجارت در عرصه تجارت بین‌الملل، ایجاد یک سیستم تجارت جمعی است. مؤسسان سازمان تجارت، در راستای همین هدف و برای جلوگیری از اقدامات انفرادی و یک جانبه اعضا، مکانیزم حل اختلاف را به گونه‌ای طراحی نموده‌اند که در صورت بروز اختلاف از اقدامات خودسرانه و یک جانبه اعضا جلوگیری نماید. رکن حل اختلاف دارای مکانیزم اجرایی است که بدون آن حل اختلافات امکان پذیر نبوده و تحقق سیستم تجارت چند جانبه با مشکل جدی رو به رو خواهد گردید. این دستاورد سازمان جهانی تجارت نیز موجب گردیده است تا بخش عمده‌ای از اختلاف‌های کشورها که برای حل آنها در واپیو راهی جز توسل اختیاری طرفین اختلاف به روش‌های جایگزین پیش‌بینی نشده است، از طریق رکن حل اختلاف سازمان مذکور حل شود.

در واقع هر دو مکانیزم بنا به علل گوناگون مورد توجه بوده و رویه حاکی از نقش فعال آنها است. اما در تحلیل این نقش، چند نکته اساسی را باید مد نظر قرار داد: اولاً، بیشتر مراجعات به مکانیزم واپیو از سوی افراد و کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در حالی که بیشتر مراجعات به مکانیزم تریپس از سوی کشورهای توسعه یافته صورت می‌گیرد. ثانیاً، در حالی که افراد و کشورها با میل و آزادی عمل به مکانیزم واپیو متوسل می‌گردند، توسل به رکن حل اختلاف تریپس، برای کشورهای عضو الزامی است یا توجه به این دو نکته سؤال مهم مطرح می‌گردد که چرا میزان توسل کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به هر یک از دو مکانیزم دارای تعادل نسبی نمی‌باشد؟ آیا این عدم تعادل، در آینده هدف اساسی حمایت از مالکیت معنوی را به خطر نمی‌اندازد؟ آیا این عدم تعادل موجب ایجاد جدایی و شکاف در مواضع و مسیر دو سازمان و استفاده ابزاری از آنها در جهت مقاصد صرفاً سیاسی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نمی‌گردد؟ بی تردید هدف اصلی واپیو و تریپس، حمایت گسترده از مالکیت معنوی و ضابطه‌مند نمودن موضوعات گوناگون آن می‌باشد. عملکرد هر یک از این دو سازمان باید به گونه‌ای باشد که بتواند نظر کشورها، از گروه‌بندی‌های مختلف را جلب نموده و بدین وسیله موجبات اجرای قواعد و مقررات حمایتی را به وسیله آنها فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی دقیق به فرایند قانون سازی در عرصه مالکیت معنوی این واقعیت آشکار می‌گردد که در جریان این فرایند که از سالها پیش شروع گردیده و اوج آن را باید در زمان ایجاد وایپو و سپس ایجاد تریپس برشمرد، یک هدف مشترک همواره تعقیب گردیده است. آن قانون‌مند کردن حقوق مالکیت معنوی می‌باشد. برای تحقق این هدف، علاوه بر تلاش برای خلق قانون و قاعده یا به عبارتی ماهیت و محتوای نظام حقوقی در جهت ایجاد مکانیزم‌های حمایتی اجرایی، سیستم حل و فصل اختلاف‌های، نیز در نظر گرفته شده است، منتها این سیستم از نظر هر یک از سازندگان قانون، به گونه ای جلوه‌گر شده است؛ در یکی خود را در قالب مرکز داوری و میانجیگری نشان داده و در دیگری در قالب رکن اجباری حل و فصل دعاوی. این که کدام بهتر، مهم‌تر و مؤثرتر است به نظر می‌رسد بحث بیهوده‌ای باشد. چرا که هر یک از این دو سیستم بیانگر قسمتی از تفکرات حاکم بر جامعه بین‌المللی است.

در مرکز داوری وایپو، سعی گردیده است آزادی و حق انتخاب اصحاب دعوا رعایت گردد. در حالی که در رکن حل اختلاف تریپس، سعی شده با الگوگیری از سیستم‌های قضایی در معنای خاص، صلاحیت مرجع رسیدگی کننده به اصحاب دعوا تحمیل گردیده و احترام به آزادی اراده و حق انتخاب اصحاب دعوا با فرض آزادی عضویت در سازمان و ابراز آن در هنگام به عضویت در آمدن، رعایت شده محسوب گردد تا بدین وسیله از تک روی کشورهای عضو و ایجاد وقفه در اجرای مقررات سازمان جلوگیری شود.

در مرکز داوری سعی شده اختلاف‌ها با تکیه بر اعتماد و حفظ روابط دوستانه میان طرفین اختلاف حل و فصل گردد تا هم در مرادوات خصوصی و هم در روابط بین‌المللی کشورها، امکان تداوم روابط تجاری و حس همکاری همچنان حفظ شود. در حالی که رکن حل اختلاف تریپس سعی کرده است با توسل به ضمانت اجراهای مؤثر، از فقدان ضمانت اجرا در مکانیزم‌های حل و فصل بین‌المللی که همواره به عنوان یک نقطه ضعف این نظام حقوقی در مقابل نظام‌های حقوقی ملی مورد توجه بوده است، جلوگیری کند.

همین‌طور در سایر موارد به نظر می‌رسد هر یک از دو سیستم حل و فصل اختلاف بر پایه برخی از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بنا نهاده شده است که به راحتی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و نفی نمود. پس در صحبت از حل و فصل اختلافات در عرصه حقوق مالکیت معنوی، نباید گفت وایپو یا تریپس، بلکه باید گفت وایپو و تریپس. تمام تصمیماتی که در رکن حل اختلاف این دو سازمان در جهت حل و فصل اختلافات مالکیت معنوی اتخاذ می‌گردد، بی‌تردید در تکامل و

توسعه نظام حقوقی حاکم بر حوزه حقوق مالکیت معنوی مؤثر بوده و ایفای نقش می‌نماید. از این رو مسئله مهم و اساسی در رابطه بین این دو مکانیزم، جلوگیری از ایجاد رویه‌های ناهماهنگ و متناقض از هر یک از این دو سیستم می‌باشد که بی‌تردید نه تنها موجب رشد و توسعه نظام حقوقی این حوزه نخواهد شد، بلکه می‌تواند به ایجاد تنش و بی‌نظمی منجر نیز گردد.

منابع

الف - فارسی

- ۱- آگوستین و دیگران، *کشورهای در حال توسعه و سازمان تجارت جهانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*، ترجمه احمد یزدان پناه، مؤسسه مطالعات بازرگانی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- ایروانی، محمد جواد، *شناخت سازمان تجارت جهانی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۸۳.

ب - لاتین

- 3- Alban Frenau, **WTO Dispute Settlement System and Implementation of Decisions: A Developing Country Perspective**, Alel (African Law e- Library) - <http://www.Lexana.org> (July 2002), p.50
- 4- CF.G.Jaenicke, **International Trade Conflicts before the PCIJ and the ICJ**, in: E.U. Petersmann /G.Jaenicke (eds), *Adjudication of International Trade Disputes in International and National Economic Law*, 1992 at p, 43, 44. S. Rao, *Course on Dispute Settlement: International Court Of Justice*, UN 2003.
- 5- David Palmeter, **national Sovereignty and the World Trade Organization**, 2 J. World Intell. Prop. 79-82 (1999) available at <http://www.wto.org / WTO/about / dispute 2.htm> 1.
- 6- Frederick M.Abbott, **Distributed Governance at the WTO-WIPO: An Evolving Model For Open- Architecture Integrated Governance**, 3 J.INTLL ECON.L.63,70(2000)
- 7- Gian Carlo Moschini ; **Intellectual Property Rights and the World Trade Organization : Retrospect and Prospects** , Working Paper 03-WP 334 May 2003
- 8- Francisco Orrego Vicuu, **Arbitration in a new International Alternative Dispute Resolution System**. ICSID News, Volume 18, No2, P2, available at, <http:// www.worldbank.org/icsid/news /n-18-2-1. Htm>.
- 9- Hoekman, B. M., and Mavroidis P. C. **WTO Dispute Settlement, Transparency and Surveillance** .<http://wwwl.worldbank.org/wbiep/trade/papers-2000/dispute-settlement.pdf>, 1999.
- 10- Horn, H, and Mavroidis P. C. **Remedies in the WTO Dispute Settlement System and Developing Countries**. www.LJonathan Weinberg ICANN and the Problem of Legitimacy, 50 DUKE L.J.187, 250(2000).
- 11- Hanns Ulrich, **GATT: Industrial Property Protection, Fair Trade and Development in GATT or WIPO? New Ways in the International Protection of Intellectual Property** 142 (Beier and Schriker eds. 1989)
- 12- Julia M. Lew, **The Arbitration of International Property Disputes.**, at World wide forum on the Arbitration of Intellectual Property Disputes, Jointly organized by The World Intellectual Property Organization (WIPO) and the American Arbitration

- Association (AAA) Geneva, March 3 and 4, 1994.
- 13- James J. Vlasic, **Toward a Litigators Philosophy of ADR**, at, The ADR News Letter, Vol 12, No 6, December, 2005,
 - 14- Mukerji, A. **Developing countries and the WTO: issues of implementation**. Journal of World Trade. ISSN 1011- 6702. 2000, 34(6), 33-74
 - 15- O.L.O. de Witt. Wijnen, **Awards and Their Enforcement**, at, World wide forum on the Arbitration of Intellectual Property Disputes, Jointly organized by The World Intellectual Property Organization (WIPO) and the American Arbitration Association (AAA) Geneva, March 3 and 4, 1994.
 - 16- **Principal Steps in WIPO Arbitration and Expedited Arbitration**, center, available at, <http://arbitrator.wipo.int/arbitration/ny-convention/parties.html>.
 - 17- **Professor Myra J. Tawfik, is the WTO/TRIPS, A. Greement User- Friendly?** Faculty of Law, University of Windsor, January 30, 2005
 - 18- Pamela Samuelson, **Intellectual Property Arbitrage: How Foreign Rules Can Affect Domestic Protection**. Forthcoming 71 u.chi .L.Rev (2003)
 - 19- Qureshi, A. H, **the World Trade Organisation: Implementing International Trade Norms**. Melland Schill Studies in International Law Manchester University Press, Manchester and Newyork, 1996
 - 20- Reichman, **The TRIPS Component of GATT's Uruguay Round: Competitive Prospects for Intellectual Property Owners in an Integrated World Market**, 4 Ford-ham Intell. Prop., Media & ENT. L. J. 171p, 761-766. (1993)
 - 21- Robert Howse, **The Canadian Generice Medicines Panel: A Dangerous Precedent in Dangerous Times**, 3 J.WORLD INTELE PROP. 493 (2000)
 - 22- Wilson, S.B. **Can the WTO Dispute Settlement Body be a Judicial Tribunal rather than a Diplomatic Club?** Law and policy in International Business. ISSN 0023-9208. 2000, Spring, 779-781.
 - 23- **WIPO, CCTLD Best practices for the prevention and Resolution of Intellectual property Disputes**, version 1: 20 June 2001. Available at <http://ecommerce.wipo.int>.
 - 24- **WIPO, Report on second WIPO international conference on electronic, commerce and Intellectual property** (plenary sessions and workshop on privacy) Geneva, September 19TH To 21ST, 2001 International Journal of communications Law and policy Issue 7, winter 2002/2003, 11. Available at <http://ecommerce.wipo.int>
- ج-آرا
- 25- WTO, Appellate Body Report, United States — Standards for Reformulated and Conventional Gasoline ('US — Gasoline'), WT/DS2/AB/R, adopted on 20 May 1996, DSR 1996:I, p. 18
 - 26- WTO, Appellate Body Report on United States- Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, WTO DOC. WT/DS 58/AB/R (oct.8, 1998).
 - 27- WTO, Appellate Body Report, European Communities — Regime for the Importation, Sale and Distribution of Bananas ('EC—Bananas III'), WT/DS27/AB/R, adopted on 25 September 1997, DSR 1997, para. 43.
 - 28- WTO, Panel Report, United States — Sections 301–310 of the Trade Act of 1974 ('US — Section 301 Trade Act'), WT/DS152/R, adopted on 27 January 2000, para. 78. See Panel Report, US — Certain EC Products, WT/DS165/R, para. 6.133.12

د-سایته‌ها

- 29- <http://arbitr.wipo.int/events/index.html>.
- 30- <http://mediation.wipo.int/cgi-bin/domains/search/legalindex>. Mediation: Frequently Asked Questions.
- 31- <http://www.wipo-arbitration.com>. Wipo Arbitration and Mediation – Role of the Center



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی